

ضربالمثل های جهان

حسود تصور می کند چنانچه پای همسایه اش بشکند او بهتر راه تواند رفت.

بلغارستانی

زنگ انشا



الفبای زندگی



مردم آزاری، بداخلاقی و نامهربانی بنویسد. دوست همیشگی و آموزگار پایه اول دبستان شما ...

هدایت باقری

گرگ در لباس میش



از وقتی که دوست قدیمی ام را دیده بودم، سالها می گذرد. سرانجام بعد از دو سال او را دیدم که در یک شرکت کار می کرد. به من گفت: بیا با هم شریک بشویم و برای خودمان کار کنیم. تا کی باید تو کر دیگران باشیم؟! من مجوز راه اندازی کارخانه ای گرفته ام که یک شیشه ما را میلیارد می کند. متأسفانه نزدیک به یک سال است که از صدور پروانه راه اندازی کارخانه می گذرد و اگر تا هفته دیگر، مقدمات اولیه راه اندازی فراهم نکنم، شهرداری پروانه را باطل می کند...

خوبیختن یا بهتر است بگویم که در کمال بدبختی، خانه را زیر قیمت فروختم و پول آن را یکجا تمام و کمال به دوستم تقدیم کردم. بسیار از من تشکر کرد، حتی خم شد تا زانویم را ببوسد. در زیر شلاق بوسه هایش، گونه هایم قرمز می شدند. حتی گفت: از سود کارخانه، ابتدا قیمت خانه تو را به اضافه دو برابر سود بانکی، می پردازیم و از آن به بعد، درآمد کارخانه را با هم نصف می کنیم. فعلاً تو را به خدا می سپارم و راهی تهران می شوم. چون پرواز انگلیس دارم. از همان جا وسایل مورد نیاز کارخانه را می خرم باعجله از من در فرودگاه خدا حافظی کرد. من هم بدان امید که از انگلیس برگردم و ما صاحب کارخانه شویم و از خاک به افلاک برسیم!

کیما عزیزاده فرد مطلق، پایه یازدهم آسانی، دبیرستان دولتی عدالت، ناحیه ۳ شیراز

دنیای سیاه، دنیای سفید



دیدی باز دید در ایران رسمی کهن است. در اسلام هم به شدت به آن تأکید شده است و در اصطلاح به آن صله رحم گویند که در واقع به معنای پیوند کردن دو چیز است.

تقی پور فرد، پایه ۱۱، دبیرستان غیردولتی تکارستان، ناحیه ۲ شیراز

به نام خالق زیباییها



مدتی است که دیگر در شهرهای ما نه رد پای رفت و آمدهای همیشگی دیده می شود و نه خبری از آن خانواده های گسترده ای به جا مانده که همه در کنار هم زندگی می کردند.

خود تعریف دیگری از میهمانی خانوادگی وصله رحم دارند و این گونه دیدوبازدیدها را نمی پسندند. گاهی هم تجمعات امروزی دلیل سرد شدن روابط خانوادگی است. در گذشته این گونه نبود که افراد برای میهمانی این طور خود را به زحمت بیندازند و همه چیز با یک میوه تمام می شد. ای کاش رسانه ها نیز به کمک ما بیایند و به مردم این زمانه یادآوری کنند که تکنولوژی و فناوری نباید جای ارتباطات خانوادگی را پر کنند. پروردگارا ظرفیتی به ما عنایت فرما تا بتوانیم به بهترین نحو از نعمت هایت در مطلوب ترین روش بهره مند گردیم. (آمین)

امیر حسین اکبر پور، یازدهم تجربی بکن، مدرسه غیردولتی امام رضا (ع)

مادر



ای مادر، از زلالی چشمانت که دریایی از مهر و محبت در آن موج می زند، از قلب باصفایت که آکنده از شمیم معرفت است، از توای یگانه، ای روشنائی، ای باغ زندگی که با شکوفه لبخند، زیبا می شوی، نخستین درس ادب را در آغوش محبت تو یاد گرفتم و سپس قدم در مدرسه علم و ادب

گذاشتم. تو آن پناهگاهی هستی که مرا از هجوم سیاهی و تاریکی در امان می داری. تو یگانه عنصر فداکاری و مهرورزی هستی که لااکنان بهترین و عزیزترین دقیق زندگی خود را برای تربیت من صرف نمودی و صدای جیغ و داد مرا را از سمفونی های بنهون، دلنوازتر می دانستی و هنوز می دانی. تو در مواقع سختی و احساس کوچک ترین بلا و خطر، سینه پرمهرت را سپر بلا می قرار دادی و هستی و حیات و جان شیرینت را برای آرامش و شادی من، بی ارزش تلقی کردی؛ اما من همیشه با نگاهی بچگانه و از سر غفلت و جهل، همه چیز را به بازی می گیرم و در برابر رفتارهای ناشایست من، تو چه صبور و بردباری پیشه کرده بودی و چقدر با شکیبایی و مهربانی و صفا نوازشم می کردی.

همایون ولی زاده، پایه یازدهم ریاضی، مجتمع آموزشی غیردولتی امام رضا (ع)